



اگه از نشریه خوشش اومد
می‌تونی برای حمایت از
اون تو سمینار به
علیرضا حبیب‌زاده
رای بدی

مگه میشه مگه داریم؟؟

مختصری از آنچه در «لاف» می‌خوانید.

تا حالا به خودت نگاه کردی؟ تا حالا کمی درمورد خودت فکر کردی؟ شدیم مثل یک ماشین دانش‌آموزی! بنشینیم سر کلاس و جزوه‌های نوشته و ننوشته‌مان را کامل کنیم و شاید هم تکلیفی باشد و... بعد مانند یک زودپز در حال انفجار که منتظر شکستن ضامن است با صدای زنگ منفجر شویم و با شوق رهایی از کلاس به اندوه تکالیف زنگ بعد پناه ببریم. اوج انتظار ما از زندگی کامل بودن تکلیف زنگ بعدمان است. بعد هم مانند یک تابع خروجی مورد نیاز را به پدر و مادر، عمه، دایی، خاله، عمو، معلم، مدرسه، جامعه و سایر بستگان این وری و اون وری به صورت عددی تحویل دهیم تا خدایی نکرده زبانم لال فکر نکنند علامه‌حلی جایی به غیر از محل حفظ جزوات بشنو بنویس تکراری است. (که مطمئن باشید خیلی‌ها همچین فکری می‌کنند). تا به حال فکر کرده‌ای که خوب آخرش که چی؟ می‌شویم مثل چندین و چند میلیارد آدمی که مثل مور و ملخ سرشان به کارشان است و خوب باز هم که چی؟ خوب درس بخوانیم که چی؟ مدرک بگیریم که چی؟ اصلاً زندگی کنیم که چی؟ آخرش می‌خواهیم به چی برسیم؟ فقط این مقدمه را نوشتم تا بگویم این مدرسه خیلی بیشتر از این‌ها می‌ارزد؛ اصلاً از همه‌ی این‌ها که بگذریم این رفاقت‌ها، این معلم‌ها (که بیشترشان زمانی «تو» بوده‌اند) خیلی بیشتر از این‌ها می‌ارزند؛ اصلاً همه‌شان را بیخیال؛ خود سمپادی‌ات خیلی بیشتر از این‌ها می‌ارزی!

«□□□□ □□□□ زاده»

همین که هس!

تیر تو تیر (شماره ۱)

حکایت برنامه‌ی به هم ریخته‌ی مدرسه!



حتماً تا به حال شنیده‌اید و انقدر شنیده‌اید که انگار نشنیده‌اید و اگر هم نشنیده باشید می‌شنوندتان (!) که برای انجام هرکاری باید برنامه‌ریزی داشته باشید و از این جور صحبت‌ها؛ ولی شاید همین‌هایی که می‌شنوندتان نیاز به شنیدن داشته باشند، شنیدنی که برای هر کسی در هر مرتبه‌ای خالی از لطف نیست. از زنگ تفریح‌هایی که طولانی شدند بگوییم که از نگاه ما خوشایند است و می‌تواند تسکین دهنده‌ی خستگی کلاس‌های پرمحتوای معلم‌های عزیز باشند ولی در عوض هم می‌توانیم از کوتاه شدن زنگ‌های درسی بگوییم که به علت عزاداری طبیعی بود و ما تا چند روز چشمان را بر آن نیمه‌ی لیوان بستیم ولی داشتن دو زنگ درسی پشت سر هم آن هم کلاس د.ک.ی را نمی‌توان دید! (هر چند استاد «م.ع» لطف کردند چند دقیقه ابتدایی زنگ را آزاد گذاشتند!) شاید هم بهتر باشد از برنامه هفتگی که هنوز هم مشخص

آیا می‌دانید؟

آیا می‌دانید مدرسه‌ی ما
قانون مطبوعات دارد؟
نه خداییش
می‌دونستید؟

نیست بگوییم که هفته پیش باعث شد برداشت مسئولین از دانش‌آموزانی که به درستی به کلاس سینما رفتند و به اشتباه باید به کلاس عربی می‌رفتند؛ دانش‌آموزانی باشند که به اشتباه به کلاس سینما رفتند و به درستی باید به کلاس عربی می‌رفتند؛ برداشتی که حاصل تغییر لحظه‌ای برنامه هفتگی بود و آخر سر هم به جای این که به خاطر اشتباه به وجود آمده معذرت‌خواهی کنند با بستن دهان همه سعی داشتند اشتباه خود را توجیه کنند. از همه این‌ها که بگذریم می‌رسیم به افزایش مدت مراسم صبح‌گاه که عموماً با صحبت‌های طولانی، تکراری و خسته‌کننده همراه می‌شوند و انتظار ناظم‌ها چنین است که همه‌ی دانش‌آموزان با علاقه و شور خاصی به صحبت‌هایی که گاه دانش‌آموزان با رجوع به بحث‌های پیشین «غر نزنید» آن را بیهوده می‌نامند؛ ولی مطمئن باشید خود شما هم که باشید از این همه تکرار و به اصطلاح آیه یأس خواندن خسته می‌شوید.

«□□□□ □□□□ زاده»

عزاداری حسین



گروه علوم اجتماعی، امسال نیز همانند سال‌های قبل مراسم مختلفی در ماه محرم برگزار کرد که مورد پسند اکثر دانش‌آموزان قرار گرفت.

در روز دو شنبه مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۷ مراسم تعزیه برگزار شد. این مراسم که اولیای گرامی نیز اجازه حضور در آن را داشتند، به زیبایی هر چه تمام اجرا شد. در پایان نیز به تمامی دانش‌آموزان، کادر مدرسه و اولیا غذای نذری داده شد.

در روز های سه شنبه، چهارشنبه و پنج‌شنبه مراسم سینه‌زنی و عزاداری دانش‌آموزان برگزار شد. این مراسم عموماً توسط خادم‌الحسین‌ها اداره و پذیرایی شد، حتی برخی به مداحی نیز پرداختند.

در این سه روز غذای نذری به کادر مدرسه و دانش‌آموزان داده شد. اما برخلاف انتظار، هر روز که پیش می‌رفت، استقبال کمتری از مراسم می‌شد؛ طوری که بچه‌ها به هر بهانه‌ای سعی می‌کردند از مدرسه خارج شوند.

از جهتی نیز بچه‌ها این مراسم را دوست داشتند؛ از هر زنگ ۱۰ دقیقه کم شد و طبیعتاً بچه‌ها علاقه زیادی به این مسئله می‌ورزیدند.

ان‌شاءالله که همه ما مورد توجه حضرت اباعبدالله (ع) قرار بگیریم.

«علی‌اصغر دهقانی»



در چرت و پرت زیر یک رباعی با معنا نهفته است! به این صورت که هر حرف معادل حرف دیگر است. به اولین کسی که شعر اصلی را بیاید یک عدد بن فری اهدا می‌شود.

«البرز بابازاده»

ضلیب بکبک من بعن هبقیبک ته

تشفظ ل سع نل بعن صبقیبک ته

ضلیب بکبک ظهف طق کفبگظ

تنیح ربلظبک تبگبقیبک ته

اولی‌ها!
دومی‌ها!
سومی‌ها!

.
. .
. .
. .
. .

یه کار
مفیدی
بکنید!
همین (:

ویراستار، گرافیک و صفحه بندی: علیرضا حبیب‌زاده

تبصره سردبیر: به گروه فیزیک افتخار داده شد و از ایده‌شان در بخش سرگرمی (بن فری) استفاده شد. باشد تا رستگار شوند.

اگر برای این نشریه مطلبی در نظر دارید آن را با نامتان به رایانامه alirezahabib80@gmail.com ارسال کنید.



دوهفته نامه دانش آموزی لاف

شماره ۱۱ ام ۱۳۹۴/۰۸/۰۴

سردبیر: علیرضا حبیب‌زاده

شورای نویسندگان (ب.ت.ح.ا):

البرز بابازاده، محمدهادی بابالو، علیرضا حبیب‌زاده، امیررضا خانی، آراد دل آرام نیکو، علی‌اصغر دهقانی، سروش شهبازی، امیرخسرو کتیرایی